صدسالگی تأسیس حوزه علمیه قم و نقش آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس‌سره در علم اصول

گفت‌وگو با آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

ادامه از صفحه اول

• تأثیرگذاری شیخ عبدالکریم حائری در مباحث اصولی و نگاه امام خمینی ره

شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس بزرگ حوزه علمیه قم و یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های علم اصول، با نگاهی عمیق به مباحث اصولی، همواره تلاش کرده است، قواعد عقلی را در چارچوب اصول فقه بگنجاند؛ اما نقطه تمایز او از برخی متأخرین، از جمله امام خمینی، دقیقاً در همین مسئله است که امام به‌شدت مخالف ورود قواعد عقلی به مباحث اصولی بود.

• مخالفت امام خمینی با قیاس تشریعی به تکوینی

یکی از هنرنمایی‌های علمی امام خمینی ره این بود که به هیچ‌وجه اجازه نمی‌داد، قیاس تشریعی به تکوینی در علم اصول وارد شود. این موضوع یکی از مهم‌ترین مبانی امام است که به‌صورت جدی در مقابل مخالفان آن ایستاد. امام معتقد بود که در اصول نباید قواعد عقلی را بدون توجه به بسترهای شرعی و تشریعی به‌کار گرفت.

در مقابل، قدما و بسیاری از علمای متأخر، از جمله شیخ عبدالکریم، به کاربرد گسترده‌تر قواعد عقلی در اصول باور داشتند. امام خمینی اما این رویکرد را به‌شدت نقد و رد می‌کرد؛ به‌طور مثال، در بحث عدم جواز قیاس تشریع به تکوین، امام تأکید داشت که این قیاس نادرست است و نباید قواعد عقلی به‌راحتی وارد مباحث اصولی شود.

• ابداعات شیخ عبدالکریم: بررسی فرق بین انشاء و اخبار

یکی از ابداعات مهم مرحوم شیخ عبدالکریم در علم اصول، بحث درباره تفاوت بین «حقیقت انشاء» و «حقیقت اخبار» است. ایشان به نقد نظر مشهور در این زمینه پرداخته و اظهار کرد که ایجاد معنا از طریق لفظ، به‌معنای حقیقی و تکوینی نیست. مشهور اصولیان معتقدند که انشا، «ایجاد المعنی باللفظ» است؛ یعنی وقتی فردی لفظی را انشاء می‌کند، معنایی را با آن ایجاد می‌کند. اما شیخ عبدالکریم این نظریه را رد می‌کند و می‌گوید که لفظ به خودی خود، نمی‌تواند علت تحقق معنا باشد؛ نه در عالم تکوین و نه حتی در عالم اعتبار.

به‌باور شیخ عبدالکریم، انشاء، ایجاد نیست؛ بلکه حکایت از یک حقیقت نفسانی است؛ یعنی وقتی متکلم می‌گوید: «اضرب» (بزن)، این صرفاً حکایت از یک طلب نفسانی است که متکلم دارد و در واقعیت خارجی ایجاد نمی‌کند.

• ارجاعات به آثار شیخ عبدالکریم و تأثیر بر علمای دیگر

شیخ عبدالکریم در کتاب «درر»، این موضوع را با جزئیات بیان کرده و به نقد نظریه مشهور پرداخته است. همچنین اهمیت نظرات او در علم اصول به‌حدی بوده که محققان بزرگی مانند محقق اصفهانی رحمه‌الله در حاشیه‌های خود بر کتاب «کفایه»، به نظرات شیخ عبدالکریم اشاره کرده و برخی از آنها را تحلیل و نقد کرده‌اند.

• جمع‌بندی: نوآوری‌های شیخ و مخالفت امام

در مجموع، اگرچه شیخ عبدالکریم ره سعی می‌کرد، قواعد عقلی را در مباحث اصولی پیاده کند، اما امام خمینی ره با نگاهی متفاوت، این رویکرد را رد می‌کرد و معتقد بود که نباید قیاس‌های عقلی به‌طور مستقیم وارد علم اصول شود. این دو دیدگاه، هرچند از دو روش متفاوت برخوردارند، اما هر دو نشان‌دهنده تأثیر عمیق آنها در تطور و تحول علم اصول است.

• نظریه انشائیات مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری

مرحوم شیخ عبدالکریم حائری در نظریه خود درباره الفاظ انشایی، دیدگاه متفاوتی از مشهور دارد. ایشان معتقد است که الفاظ انشایی نه ایجاد تکوینی دارند و نه ایجاد اعتباری. به‌اعتقاد وی، الفاظ انشایی مانند الفاظ خبری، حکایت از یک حقیقت درونی و موجود در نفس می‌کنند.

• تفاوت انشاء و خبر از منظر مرحوم حائری

ایشان می‌گوید: الفاظ انشائی، مانند صیغه «افعل» (مثلاً اضرب)، حکایت از وجود اراده‌ای در نفس متکلم برای انجام فعلی می‌کنند. در صورتی که اراده‌ای در نفس متکلم برای وقوع فعل وجود نداشته باشد، این لفظ دیگر در معنای اصلی خود به کار نرفته و به‌نوعی معنای خود را از دست می‌دهد.

• نقد نظریه مشهور

آقای حائری نظریه مشهور که انشاء را ایجاد معنا از طریق لفظ می‌داند، به چالش می‌کشد. مشهور معتقد است که الفاظ انشائی ایجاد معنا در عالم اعتبار می‌کنند، اما ایشان این مفهوم را رد کرده و می‌گوید که الفاظ، چه خبری و چه انشائی، صرفاً حکایت از حقایق نفسانی دارند.

• کاربرد در بحث‌های اصولی

این نظریه تأثیر زیادی در مباحث اصولی دارد. به‌عنوان مثال، در بحث الفاظ و اینکه آیا الفاظ برای طبایع یا مصادیق وضع شده‌اند، نظریه مرحوم حائری مبنای جدیدی ارائه می‌دهد. ایشان معتقد است که الفاظ انشائی، از جمله صیغه‌هایی مانند «اضرب»، برای حکایت از مصادیق خاص (مانند اراده خاص در نفس) وضع شده‌اند.

• ابداع مرحوم حائری

این نظریه که انشاء، حکایت از حقیقتی در نفس می‌کند و نه ایجاد یک واقعیت جدید، یکی از نوآوری‌های مهم مرحوم حائری است و با دیدگاه‌های مشهور تفاوت دارد.

• نتیجه‌گیری مرحوم شیخ عبدالکریم حائری از بحث صیغه افعل در علم اصول

مرحوم شیخ عبدالکریم حائری از بحث صیغه «افعل»، نتایج مهمی در علم اصول گرفته است. ایشان معتقد است که صیغه‌های امر مانند «افعل»، نه به‌صورت ذاتی برای وجوب وضع شده‌اند و نه به‌دلیل کثرت استعمال. به‌اعتقاد وی، صیغه «افعل» حکایت از اراده متکلم می‌کند و میزان قطعیت یا عدم قطعیت اراده، وجوب یا عدم وجوب آن را مشخص می‌کند.

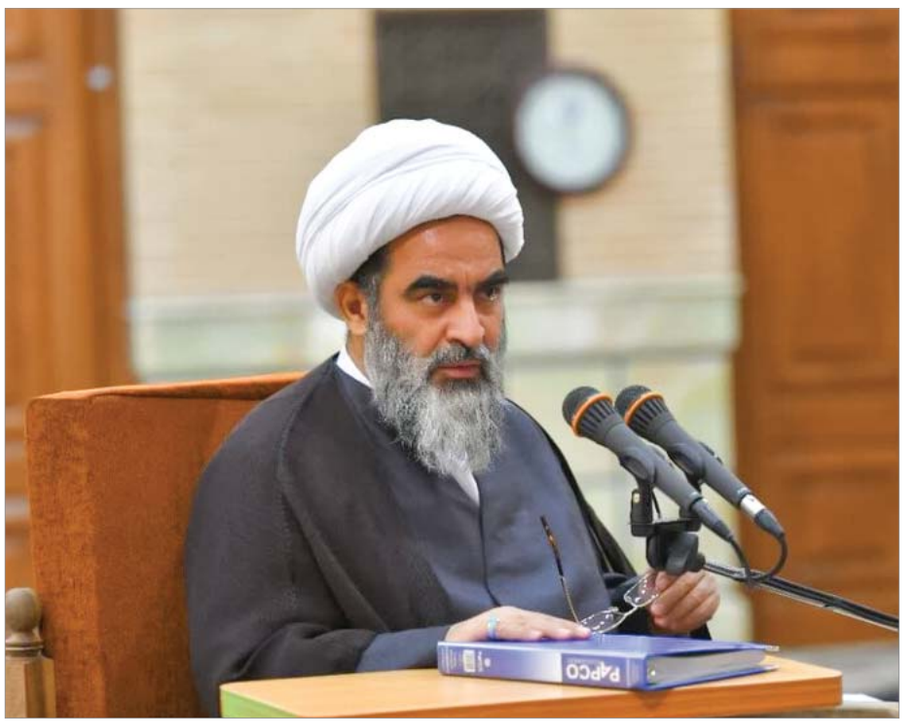

• نقد نظریه مشهور درباره صیغه افعل

در نظریه مشهور، گفته می‌شود که صیغه «افعل»، برای وجوب وضع شده و این امر از طریق وضع لغوی یا حتی به‌دلیل کثرت استعمال در وجوب به دست آمده است. برخی نیز معتقدند که وضع تعیینی به‌دلیل تکرار استعمال صیغه در وجوب ایجاد شده است. همچنین، مرحوم نائینی معتقد است که رابطه میان بنده و مولی، به‌طور ذاتی وجوب را در پی دارد؛ یعنی هرگاه مولی از بنده خواسته‌ای داشته باشد، عقل بنده را به امتثال امر مولی وادار می‌کند و از این جهت، به‌طور عقلانی وجوب برداشت می‌شود.

• دیدگاه مرحوم حائری

مرحوم حائری اما دیدگاه متفاوتی ارائه می‌دهد. وی معتقد است که خود لفظ «افعل» به‌تنهایی دلالتی بر وجوب ندارد؛ بلکه اراده متکلم و قرائن موجود در گفتار تعیین‌کننده وجوب یا عدم وجوب آن است. اگر از قرائن فهمیده شود که اراده متکلم حتمی است، این امر به وجوب دلالت می‌کند و اگر اراده غیرحتمی باشد، نتیجه آن غیروجوب خواهد بود؛ بنابراین، برای تشخیص وجوب یا عدم وجوب، به قرینه نیاز است.

• ابتکار مرحوم حائری در این نظریه

مرحوم حائری با این رویکرد، نظریه‌ای جدید و متفاوت از نظریات پیشین ارائه کرده است. به‌گفته وی، این نظریه از نوآوری‌های خود ایشان است و در کلمات فقهی و اصولی علمای قبل از مرحوم حائری، به این صراحت و تفصیل وجود ندارد. هرچند برخی از آقایان اشاره کرده‌اند که در آثار مرحوم محقق رشتی نیز اشاراتی به این مسئله وجود دارد، اما به‌گفته مرحوم حائری، چنین نظریه‌ای به این وضوح و استدلال در آثار گذشتگان وجود ندارد.

• ثمرات عملی این نظریه در مباحث اصولی

این نظریه در بسیاری از مباحث اصولی کاربرد دارد؛ از جمله در بحث اینکه آیا صیغه‌های امر برای وجوب وضع شده‌اند یا خیر. با توجه به این نظریه، می‌توان به این نتیجه رسید که صیغه‌های امر مانند «افعل» نه به‌طور ذاتی برای وجوب وضع شده‌اند و نه به‌دلیل کثرت استعمال؛ بلکه اراده و قرائن نقش کلیدی در تبیین وجوب یا عدم وجوب دارند.

• تحلیل بحث جبر و اختیار در فلسفه اخلاقی و اصولی

بحث جبر و اختیار یکی از پیچیده‌ترین مسائل در فلسفه اخلاقی و اصولی است که در آثار فلاسفه و اصولیان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، یکی از بزرگترین فلاسفه و اصولیان معاصر، در تحلیل این مسائل گام‌های مهمی برداشته است.

۱. مشکل در فهم اراده و اختیار

در بحث جبر و اختیار، یکی از نکات مهم تفکیک میان اراده و اختیار است. مرحوم آخوند خراسانی در این زمینه می‌فرماید که برای اختیاری بودن یک فعل، لازم است که مسبوق به اراده باشد. اما در اینجا با اشکالی مواجه می‌شویم: اراده خود از ممکنات است و به خودی خود نیاز به علت دارد. این علت یا باید اراده دیگری از همان شخص باشد که در این صورت، به تسلسل می‌انجامد و یا مسبوق به اراده خداوند باشد که در این صورت، جبر لازم می‌آید. به‌عبارت دیگر، اگر اراده به یک اراده دیگر نیاز داشته باشد، به تسلسل می‌انجامد و اگر مسبوق به اراده خداوند باشد، به جبر می‌انجامد.

این اشکال به نظر مرحوم محقق عراقی که معتقد است، مرحوم آخوند نتواسته این مسئله را حل کند، بسیار جدی است. این مسئله، باعث می‌شود که بحث جبر و اختیار به‌طور کامل حل‌نشده باقی بماند.

۲. دیدگاه‌های مختلف پس از آخوند

پس از مرحوم آخوند، برخی از بزرگترین فلاسفه و اصولیان، نظرات مختلفی در این زمینه ارائه دادند:

۱. نظریه مرحوم اصفهانی: ایشان معتقد بودند که اراده باید مسبوق به اراده باشد تا فعل، اختیاری شود. اما سؤال اینجاست که این اراده از کجا آمده است؟ مرحوم اصفهانی می‌فرماید: این مسئله تفاوتی در اختیاری بودن فعل ندارد. اگر اراده معلول، اراده خداوند باشد، این بدان معنا نیست که فعل از اختیاری بودن خارج می‌شود.

۲. نظریه مرحوم نائینی: ایشان نیز در این زمینه نظرات متفاوتی را مطرح کردند، اما پیچیدگی‌های این بحث همچنان باقی است.

۳. نظر مرحوم حائری: مرحوم حائری، برای حل این معضل، یک دیدگاه جدید ارائه دادند. ایشان می‌فرمایند: لزوم تسلسل تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که علت اراده، منحصر به اراده خود شخص باشد. اما اگر علت اراده به چیزی خارج از اراده خود شخص، مانند اراده خداوند یا جهت خاصی در اراده، مربوط باشد، دیگر نیازی به اراده اضافی نیست.

۳. تحلیل دقیق‌تر مشکل و رفع اشکال

مرحوم حائری در تلاش برای رفع اشکال تسلسل، مسئله جهت در اراده را مطرح کردند. ایشان می‌فرمایند که اگر علت اراده، خود متعلق اراده باشد، دیگر نیاز به اراده دیگری نخواهیم داشت؛ به‌عبارتی، وقتی اراده برای تحقق یک هدف خاص باشد و علت این اراده در خود هدف یا مراد نهفته باشد، نیازی به اراده دیگری برای تحقق آن هدف نیست.

اما در صورتی که علت اراده به خود اراده مربوط باشد، نیاز به اراده جدید احساس می‌شود. به‌عبارت دیگر، اگر اراده برای تحقق چیزی که خود، در آن وجود دارد (مانند یک جهت خاص) باشد، دیگر نیازی به اراده دیگری نیست. این نوع تفکر، از پیچیدگی‌های بحث جبر و اختیار می‌کاهد و به‌نوعی، مسئله تسلسل را حل می‌کند.

۴. مثال عملی برای فهم بهتر

برای توضیح بیشتر، می‌توان به مثالی اشاره کرد. فرض کنید فردی قصد خوردن غذایی را دارد که بسیار خوشمزه است و با طبع او کاملاً سازگار است. در این‌صورت، اراده او کاملاً اختیاری است؛ اما اگر همین فرد بخواهد، غذایی را بخورد که باعث اذیت دیگران یا بی‌احترامی به آنها می‌شود، این اراده در تضاد با طبع او قرار دارد. در این حالت، او باید بین این دو جهت اراده تصمیم‌گیری کند. اگر تصمیم به انجام فعل دوم بگیرد، این به‌معنای ترجیح اراده اول است و به‌همین دلیل فعل اختیاری او به حساب می‌آید.

• نتیجه‌گیری

بحث جبر و اختیار، همواره یکی از چالش‌های بزرگ در فلسفه و اصول فقه بوده است. دیدگاه‌های مختلفی از جمله نظریه‌های مرحوم آخوند، اصفهانی، نائینی و حائری در حل این مشکل ارائه شده است. در نهایت، به نظر می‌رسد که مرحوم حائری با معرفی مفهوم جهت در اراده توانسته تا حد زیادی این معضل را حل کند و به یک فهم جدید از فعل اختیاری دست یابد.

اراده و تعلق آن به افعال: تحلیل تفاوت‌ها و نوآوری‌های شیخ

در برخی مباحث فلسفی، به‌ویژه در تحلیل اراده و ارتباط آن با افعال اختیاری، مرحوم شیخ نکات جدیدی را مطرح کرده است که به‌وضوح با نظرات پیشین متفاوت است. در اینجا، بحث بر سر چگونگی تعلق اراده به افعال است و آیا در خود اراده، جهتی برای فعل وجود دارد یا خیر.

۱. وجود جهت در خود اراده

شیخ با مثالی از قصد اقامت «عشره ایام» اشاره می‌کند که در این مثال، خود اراده دارای جهتی است؛ به‌عبارت دیگر، اگر کسی قصد اقامت روزهای خاصی را داشته باشد، در ذات اراده، جهت آن (یعنی قصد عشره ایام) موجود است. این جهت به خودی خود، بر اراده تعلق می‌گیرد و در صورت پیش آمدن مشکل یا نیاز به تغییر (مثلاً در نماز چهار رکعتی)، اراده باید بازنگری شود و هیچ‌گونه تأخیر یا توقفی در این اراده مجاز نیست.

۲. نیاز به اراده دوم

ایشان نتیجه می‌گیرند که هرگاه اراده‌ای به یک فعل تعلق گیرد، اگر در ذات اراده جهتی وجود داشته باشد، دیگر نیازی به اراده دوم برای انجام آن فعل نخواهد بود. به‌عبارت دیگر، اگر اراده‌ای به چیز خاصی تعلق گیرد و جهت آن در خود اراده موجود باشد، این اراده به خودی خود، برای تحقق آن فعل کافی است.

این نظر با دیگر نظرات اصولی متفاوت است؛ زیرا در مواردی که اراده نیاز به جهت‌گیری یا تصمیم جدیدی داشته باشد، اراده دوم ضروری است؛ اما در صورتی که اراده‌ای مستقلاً از یک جهت خاص برخوردار باشد، نیازی به اراده دوم ندارد.

۳. مناقشه مرحوم محقق عراقی

در مقابل نظر شیخ، مرحوم محقق عراقی معتقد است که مصلحت باید در متعلق اراده باشد و نه در خود اراده. او تأکید دارد که اگر اراده‌ای در خود مصلحت داشته باشد، هیچ معنایی ندارد و این امر باید به اراده‌ای نسبت داده شود که به یک موضوع خاص تعلق داشته باشد. از نظر او، اراده نمی‌تواند صرفاً به‌دلیل مصلحت در ذات خود تحقق یابد.

۴. ابداع شیخ در حل مسئله جبر و اختیار

یکی از نقاط قوت شیخ در حل مسئله جبر و اختیار، این است که او معتقد است، اراده می‌تواند خود به خود و بدون نیاز به اراده دیگری تحقق یابد؛ زیرا در ذات خود، جهت و مصلحت دارد. به نظر شیخ، اراده‌ها می‌توانند به‌دلیل جهت خاصی که در آن‌ها نهفته است، بدون نیاز به اراده دوم یا خارجی شکل گیرند. این نوآوری از آنجا ناشی می‌شود که شیخ قادر است، این مسئله را بدون نیاز به استناد به اراده‌های دوم یا خارجی توضیح دهد.

۵. تفاوت با دیدگاه‌های دیگر

نظر شیخ با دیدگاه‌های دیگر، نظیر نظریه ملاصدرا که بر این باورند که اراده دارای جهت در ذات خود است، تفاوت‌های بنیادینی دارد. شیخ می‌گوید که اگر اراده در ذات خود جهت و مصلحت داشته باشد، دیگر نیاز به اراده دیگری نخواهد بود؛ برخلاف دیگران که معتقدند، اراده همیشه به چیزی خارج از خودش تعلق دارد.

در نهایت، با بررسی دقیق‌تر این بحث‌ها می‌توان گفت که شیخ در حل مسئله جبر و اختیار، به رویکرد جدیدی دست یافته است که نشان‌دهنده نوآوری و تحلیل‌های عمیق‌تری در این زمینه است.

معرفی نشریات سده حوزه

• دوفصلنامه «قرآن‌شناخت»

سی و دومین شماره دوفصلنامه علمی-پژوهشی «قرآن‌شناخت» ویژه کنگره یکصدمین سال بازتأسیس حوزه علمیه قم، با مقالاتی خواندنی به مدیرمسئولی آیت‌الله محمود رجبی و سردبیری حجت‌الاسلام غلامعلی عزیزی‌کیا منتشر و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.

عناوین مقالات

۱. مکاتب تفسیری رایج در حوزه علمیه قم در سده اخیر، علی‌اکبر بابایی؛
۲. سیر تطور دانش و نگارش‌های علوم قرآنی حوزه علمیه قم در سده اخیر، روح‌الله شهیدی؛
۳. حجم آثار علمی اثرگذار حوزه علمیه قم در زمینه علوم قرآن در سده اخیر، علی‌اوسط باقری؛
۴. حاکمیت دینی در اندیشه و آثار تفسیری عالمان حوزه علمیه قم در سده اخیر، محمدجواد نوروزی فرانی؛
۵. مقابله حوزه علمیه قم با جریان‌های انحرافی سده اخیر در عرصه تفسیر و علوم قرآن، علیرضا عظیمی‌فر؛
۶. روش‌های تدریش و آموزش تفسیر قرآن در حوزه علمیه قم در سده اخیر، عباس الهی؛
۷. مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ علامه سید محمدحسین طباطبایی، امیررضا اشرفی؛
۸. مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ علامه مصباح یزدی و تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن، حمید آریان؛
۹. مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ آیت‌الله جوادی آملی، مجید حیدری‌فر؛
۱۰. مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ آیت‌الله جعفر سبحانی، محمدهادی منصوری و علی الوندی؛
۱۱. مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، محمدهادی منصوری؛
۱۲. شخصیت‌های تفسیری حوزه علمیه قم در سده اخیر، ابوذر تشکری‌صالح؛
۱۳. شخصیت‌های برجسته علوم قرآنی حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ آیت‌الله محمدهادی معرفت، حامد معرفت؛
۱۴. دانشوران علوم قرآنی سده اخیر حوزه علمیه قم، سیدروح‌الله حسینی علی‌آباد.

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، طبقه ۴، اداره کل نشریات.

• دوفصلنامه «معرفت اخلاقی»

سی و ششمین دوفصلنامه «معرفت اخلاقی» ویژه یکصدمین سال بازتأسیس حوزه علمیه قم با مدیرمسئولی محمود فتحعلی و سردبیری هادی حسینخانی، با محوریت سیر اخلاق در حوزه علمیه قم از سوی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره چاپ و منتشر گردید.

عناوین مقالات

۱. حوزه علمیه قم و دانش‌های جدید عرصه اخلاق در یک سده اخیر، سیداکبر حسینی قلعه‌بهمن؛
۲. عملکرد حوزه علمیه قم در حیطه اخلاق اجتماعی در یکصدسال اخیر، محمدجواد فلاح؛
۳. گونه‌شناسی گرایش‌های دروس اخلاق در حوزه علمیه قم از بدو تأسیس تاکنون، ابوذر رجبی؛
۴. مراکز رسمی حوزه دانش اخلاق در یکصدساله اخیر حوزه علمیه قم، هادی حسینخانی؛
۵. میزان تأثیرپذیری منابع اخلاقی از آموزه‌های قرآنی در یکصدسال اخیر حوزه علمیه، محمدحسن مهدی‌پور و محمدجواد فلاح؛
۶. روش‌های آموزش اخلاق در یک سده اخیر حوزه علمیه قم، ابوالفضل احمدی کاشانی؛
۷. «اخلاق علم‌آموزی» در آثار علمی و سیر عملی عالمان دینی یکصدسال اخیر حوزه علمیه قم، زهرا عواطفی.

• دوفصلنامه «حدیث و اندیشه»

سی و دومین شماره دوفصلنامه «حدیث و اندیشه» ویژه یکصدمین سال بازتأسیس حوزه علمیه قم، با مدیرمسئولی سیدعلی قاضی‌عسکر و از سوی دانشگاه قرآن و حدیث با محوریت سیر دانش حدیث در حوزه علمیه قم چاپ و منتشر گردید.

عناوین مقالات

۱. جریان‌شناسی رویکردهای حدیثی حوزه علیمه قم از ابتدای بازتأسیس تاکنون، محمد حائری شیرازی؛
۲. سیر تطور مواجهه علما با احادیث سیاسی پس از بازتأسیس حوزه علمیه قم تاکنون، سیدسجاد آل سیدغفور؛
۳. روش‌شناسی تصحیح متون حدیثی در یکصد سال اخیر حوزه علمیه قم، یاسین پورعلی قراجه و مهرزاد چوپانی؛
۴. مطالعات حدیثی مقارن در یکصد سال اخیر حوزه علمیه قم، ابوالفضل فتحی؛
۵. واکنش علمای حوزه علمیه قم به مسئله تغییر خط فارسی در سده اخیر، کاظم استادی؛
۶. سیر ترجمه‌های فارسی نهج‌البلاغه در سده اخیر، علی خنیفرزاده؛
۷. قرب و بعد علم کلام و حدیث در حوزه علمیه قم دوم (سده چهاردهم شمسی)، رسول رضوی؛
۸. درآمدی بر وضعیت‌سنجی دانش رجال در سده اخیر حوزه علمیه قم، مهدی غلامعلی؛
۹. حوزه علمیه قم و چشم‌انداز پژوهش‌های آینده حدیثی، سید محمدکاظم طباطبایی؛
۱۰. غلوپژوهی در حوزه معاصر شیعی و جایگاه آن در مطالعات روایی، عمیدرضا اکبری؛
۱۱. حوزه‌های علمیه شیعه و قانون‌گذاری مبتنی بر فقه؛ از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، ابراهیم شفیعی سروستانی؛
۱۲. مروری بر گسترش و بالندگی رویکرد اخلاق نقلی در بستر حوزه علمیه قم، سید محمدباقر میرصانع.

لینک نشریه: www.magiran.com